پاسخ به يك سؤال [چرا موسى با آن همه وعده‏هاى الهى دچار ترديد و دلهره شد]

ممكن است براى بعضى با مطالعه آيات فوق، اين سؤال پيدا شود كه چرا موسى ع با آن وعده‏هاى الهى باز هم دچار نگرانى و ترديد و دلهره مى‏شود؟

تا آنجا كه خداوند به او صريحا مى‏گويد، برويد من همه جا با شما هستم، همه سخنان را مى‏شنوم، و همه چيز را مى‏بينم، و هيچ جاى نگرانى نيست.

پاسخ اين سؤال از اينجا روشن مى‏شود كه اين ماموريت براستى ماموريت بسيار سنگينى بود، موسى كه ظاهرا يك چوپان است، مى‏خواهد تنها با برادرش به جنگ مرد قلدر و زورمند و سركشى برود كه بزرگترين قدرتهاى آن زمان در اختيار او بوده است، و تازه ماموريت دارد اولين دعوت را از خود فرعون‏ شروع كند، نه اينكه نخست به سراغ ديگران برود و لشگر و يار و ياور فراهم آورد، بلكه بايد نخستين جرقه را بر قلب فرعون بزند، اين براستى ماموريت بسيار پيچيده و فوق العاده مشكلى بوده است، بعلاوه ما مى‏دانيم كه علم و آگاهى مراتبى دارد، بسيار مى‏شود انسان چيزى را يقينا مى‏داند، اما مايل است به مرحله علم اليقين و اطمينان عينى برسد، همانگونه كه ابراهيم با ايمان قاطعش نسبت به معاد از خدا تقاضا كرد صحنه‏اى از زنده شدن مردگان را در اين جهان با چشم خود ببيند تا اطمينان خاطر بيشترى پيدا كند.[[1]](#footnote-1)

1. مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، 28جلد، دار الكتب الإسلامية - ايران - تهران، چاپ: 10، 1371 ه.ش، ص: 216. [↑](#footnote-ref-1)